فهرست

[مقدمه 2](#_Toc117337900)

[دلیل یازدهم 2](#_Toc117337901)

[بحث اجمالی 3](#_Toc117337902)

[بحث دلالی روایت 4](#_Toc117337903)

[1. سؤال اول………………….. 4](#_Toc117337904)

[2. سؤال دوم…………………….. 5](#_Toc117337905)

[3. سؤال سوم……………………. 7](#_Toc117337906)

[4. سؤال چهارم……………………. 8](#_Toc117337907)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

در قاعده حرمت نظر با ریبه تاکنون ده دلیل را ذکر کردیم دلیل یازدهم روایاتی است که مفاد آن النظرة الاولی لک و الثانیة علیک لا لک است.

سؤال: ...

جواب: این را فعلاً یادم نیست ولی خیلی سرنوشت بحث را تغییر نمی‌دهد بعداً از جلسه توضیح می‌دهم.

در نگاه به وجه و کفین در مباحث قبل سه طایفه روایات بود:

1. طایفه مجوز نگاه به وجه و کفین بود
2. طایفه مانعه
3. طایفه مفصله بین نظره اولی و نظره ثانیه در آنجا روایاتی که الآن به‌عنوان یازدهمین دلیل در بحث ریبه قرار می‌دهیم بحث کردیم. می‌توانید به آن فایل‌ها مراجعه داشته باشید. الآن ما مروری به بحث گذشته خواهیم داشت و احتمالاً نگاه تکمیلی هم نسبت به آیات وجود خواهد داشت.

# دلیل یازدهم

اول روایات را اشاره می‌کنم که مضمون آن‌ها النظرة بعد النظرة یا النظرة الاولی لک و الثانیة علیک لا لک است این روایت در وسائل نقل‌شده که در یکجا به‌صورت مرسله در باب 104 در ابواب مقدمات نکاح حدیث هشتم مرسله ای است که مرحوم صدوق نقل کرده‌اند

قَالَ وَ قَالَ ع‏ «أَوَّلُ‏ نَظْرَةٍ لَكَ‏ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ الثَّالِثَةُ فِيهَا الْهَلَاك»[[1]](#footnote-1)‏

اولین نگاه حلال است و در آن عقاب نیست و اما دومین نگاه علیه تو و به ضرر توست و سومین نگاه فِيهَا الْهَلَاك . این‌یک روایتی است که مضمون النظرة الاولی لک و الثانیة علیک لا لک در آن آمده است و روایت یازدهم از همین باب 104 از عیون الاخبار الرضا نقل‌شده با سندی که اینجا می‌بینید

وَ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْجِعَابِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ مَنْ قَتَلَ حَيَّةً قَتَلَ‏ كَافِراً وَ قَالَ لَا تُتْبِعِ النَّظْرَةَ النَّظْرَةَ فَلَيْسَ لَكَ يَا عَلِيُّ إِلَّا أَوَّلُ نَظْرَةٍ».[[2]](#footnote-2)

نظری که افکنده شد ادامه نده و به نظر دوم نکشان «فَلَيْسَ لَكَ يَا عَلِيُّ إِلَّا أَوَّلُ نَظْرَةٍ» فقط نگاه اول است که بخشیده شده و در آن ضرر و زیانی نیست

روایت ششم که از محاسن و فقیه نقل‌شده و با دو سند

بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْكَاهِلِيِّ قَالَ: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع‏ النَّظْرَةُ بَعْدَ النَّظْرَةِ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً».[[3]](#footnote-3)

نگاه مجدد مستمر و ثانویه باعث «تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً» می‌شود این روایت در محاسن برقی آمده که از ِ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ زَافِرٍ رَفَعَهُ قَال‏ قَالَ عِيسَى ع‏ این حدیث به نحوی از حضرت عیسی (ع) نقل‌شده است. این چند روایتی است که مضمون النظرة الاولی لک و الثانیة علیک لا لک دارد یا همین تعبیر بود مثل روایت اول یا تعابیری از همین قبیل.

بحث سندی را چون قبلاً بحث کردیم دیگر بحث نمی‌کنیم و گفتیم که هرکدام از این احادیث دچار مشکلی است شاید بهترینش عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْكَاهِلِيِّ است که تعددش تقریباً اطمینان خبری دارد که این مضمون النظرة الاولی لک و الثانیة علیک لا لک یا النظرة بعد النظرة صادرشده و بیشتر بحث سندی به آن مباحث می‌توانید ملاحظه کنید.

## بحث اجمالی

بحث اجمالی ملاحظه این روایت این است که النظره الاولی نظری است که در آن التذاذ نیست و النظرة الثانی نگاهی است که در آن التذاذ است اگر این باشد دلیلی بر قاعده قبلی می‌شود که از آن عبور کردیم وجه دیگر این است که بگوییم النظرة الاولی یعنی نگاهی که در آن نگرانی از وقوع در حرام هم نیست و التذاذ نیست و مجاز است و نظره ثانیه یعنی نگاهی که در التذاذ یا نگرانی از وقوع امر محرم است و گفته‌شده علیک پس نظر همراه با التذاذ یا نگرانی از خوف وقوع در محرم نظره ثانیه است و این حرام است چون نگاه مجدد و ادامه نگاه اول که همان نظره ثانیه است همراه با التذاذ یا ریبه یا نگرانی از وقوع در محرم است این نظره ثانیه را کنایه از التذاذ یا ریبه قرار داده‌اند پس النظرة الثانیه کنایةٌ عن النظر بالالتذاذ أو معَ الریبه و به این معنا روایت تحریم میکند نگاه همراه با التذاذ و ریبه را و با این تفسیر ابتدایی این روایت دلیلی برقاعده التذاذ یا قاعده ریبه است و النظرة الثانیه کنایةٌ عن النظر بالالتذاذ أو معَ الریبه و می‌شود دلیلی بر قاعده حرمةُ النظر معَ الالتذاذ و حرمةُ النظر معَ الریبه.

سؤال: این دال بر حرمت نیست

جواب: این تفسیر ابتدایی است بعداً می‌بینید که چه معضلاتی در فهم روایت است که ممکن است کسی بگوید مجمل است من چون دیدم آنچه سابق گفتیم مفصل بود ولی شاید نکات تجدیدی در آن باشد در اینجا اشاره به چند نکته کردیم که استدلال اجمالی به روایت است .

## بحث دلالی روایت

اما انواع سوالات درباره این روایات در ذهن خلجان میکند و لذا برای تحقیق در روایت و این‌که می‌شود به آن استدلال کرد چه در قاعده التذاذ چه در قاعده ریبه یا این‌که چیز دیگری می‌گوید وارد تحقیق و بررسی از چند جهت می‌شویم.

این چند محور سؤال در باب این روایات شریفه هست هریک از این سوالات منشأ احتمالاتی در این روایات سه‌گانه می‌شود که ممکن است این روایات بیشتر هم بشود به‌این‌ترتیب است:

سؤال: در این باب چندین روایت به همین شکل داریم مثل روایت 13 و14.

جواب: بله من روایت 13 را غفلت کردم و روایت 14 و15 هم هست و روایات دیگر هم هست و از معان الاخبار نقل‌شده به همین دلیل گفتیم میت نوان گفت وثوق خبری داریم حتی اگر یک سند تمام نباشد.

با توجه به تعدد این روایات و این‌که می‌شود به آن‌ها استناد کرد از باب استفاضه و نقل‌های متعدد وارد تحقیق در مسئله بشویم چند مسئله اهمیت دارد:

### سؤال اول

مقصود از این نظره اولی و نظره ثانیه مقصود مستقیم و صراحت است یا کنایه است به‌عبارت‌دیگر مقصود ازنظره اولی و ثانیه کنایی یا صراحی؟ واقعاً منظور نگاه اول و دوم به معنای نگاه اول و دوم است یا کنایه از چیز دیگری است مثل همین‌که عرض شد مقصود از نگاه اول یعنی نگاهی که مقصود و عمدی نیست و چون غالباً باهم‌اند تکنیئی شده با اولی از غیر عمدی و بدون التذاذ و دومی یعنی آنچه التذاذ دارد و اول و دوم موضوعیت ندارد و آنچه مهم است بدون التذاذ بودن یا با التذاذ بودن است یا کنایه از این است که بدون ریبه است می‌شود اول و با ریبه می‌شود دوم یا کنایه از عدم اختیار و اختیار است این‌یک سؤال است و ممکن است کسی بگوید مقصود همان اول و دوم است و در نگاه اول به هر شکل که باشد بخششی در آن وجود دارد موضوعیت از آن اول و دوم است و نگاه نخستین قمض عینی از آن شده و نگاه دوم مبدأ مواخذه و حساب‌رسی است این فرض اول است که تعبیر صراحی باشد فرض دوم این است که اولی و ثانیه کنایی از کنایه از یکی از این اموری که اشاره کردیم کنایه از التذاذ یا عدم التذاذ النظرة الاولی کنایه از نگاهی که همراه با التذاذ نیست و اول و دوم بودن خیلی ملاک نیست و ثانیه یعنی نگاهی که با التذاذ است در این صورت معنای روایت چیز دیگری می‌شود.

سؤال: این التذاذ از تخصص خارج است

جواب: اگر مقصود محرمات هم باشد و نگاه به‌جایی که حرام است هم مشمول روایت باشد در این صورت این معنادار می‌شود

پس می‌شود این روایت کنایه باشد از :

1. التذاذ یا عدم التذاذ
2. ریبه یا عدم ریبه
3. اختیار و عدم اختیار النظرة الاولی یعنی نگاهی که در آن اختیار نیست و النظرة ثانی یعنی نگاه با اختیار است
4. ممکن است بگوییم همه این‌ها متصور است یا دوتا از این‌ها متصور است که چند احتمال دارد.

بناتر قاعده اولیه باید حمل معانی را بر معانی صراحی کنیم حمل بر تصریح و حمل بر کنایی تجوز است و اصل عدم کنایی است مگر این‌که قرائن حالیه و مقالیه بگوید این کنایه است این‌یک سؤال است که اصل این است که کنایه نیست ولی ممکن است بگوییم قرائن حالیه افاده میکند که کنایه هست والا صرف اول و دوم موضوعتی ندارد و نکته‌ای در آن نهفته است.

سؤال: گذشت از بار اول می‌تواند به نحوی تصریح باشد؟

جواب: بله عرض کردم ممکن است این باشد و ممکن است کسی بگوید نگاه اول و دوم موضوعیت ندارد و اگر نگاه اول را از قبل هدف‌گیری کرده و با قصد التذاذ نگاه اول را می‌افکند ارتکاز می‌گوید این نظره اولی نیست این خیلی پیچیده است استحضارات فقهی همین مشکل را دارد که در ابتدا النظره اولی و ثانیه معنای دقیق و حقیقی دارد و اطلاق دارد اما وقتی می‌خواهیم پای اطلاق بایستیم می‌بینیم درجایی نمی‌شود درجایی که از جایی به اهمان قصد بالذات نگاه اول را می‌افکند با التذاذ یعنی قصدُ النظر باالالتذاذ بالذات تاب این را ندارد ممکن است کسی این را قرینه بگیرد که امام در مقام کنایه است و کنایه بودن هم غیر عرفی نیست و نگاه اول نگاهی است که در آن التذاذ نیست و تعاملات اجتماعی است و عمدی نیست یا بالذات نیست این‌یک سؤال بسیار مهم است که اولی و ثانیه کناییٌ أو صراحیٌ و اگر کنایی باشد یکی از آن کنایه‌هایی است که عرض کردیم که کنایه از عدم التذاذ و التذاذ یا عدم ریبه و ریبه یا عمدیت یا اتفاقیت یا جمع بین همه این‌ها یا دوتا از آن‌ها که جمعاً پنج شش احتمال می‌شود.

سؤال: ...

جواب: این را باید طبق این احتمالات معنا کرد اگر اولی و ثانیه بگیریم آیا می‌توان به اطلاق پایبند بود یا نه که این‌ها را بعداً اشاره می‌کنیم

### سؤال دوم

منظورٌ علیه در اینجا چیست ماهو المراد من المنظورعلیه در این نظره در اینجا داریم «أَوَّلُ‏ نَظْرَةٍ لَكَ‏ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ» که پیامبر به حضرت علی (ع) گفته اند نگاه متعلق دارد امر اضافی است باید به چیزی نگاه کند منظور علیه چیست و این هم سؤال جدی است که نگاه اول معفو است و نگاه دوم مواخذه می‌شود درست است ولی نگاه به چه چیزی است؟ متعلق محذوف است اینجا چند احتمال دارد:

1. مراد از منظور علیه چیزهایی است که فی حد نفسه است مطلق محرمات همه‌چیزهایی که نگاه به آن‌ها حرام است مثل جسد اعضای نامحرم هر آنچه حرام است یا عورت مماثل یا اعضای مخالف و امثال این‌ها مقصود از نگاه، نگاه به چیزی است که حرام است و آنچه حرام است نگاه اولش لک لا علیک و نگاه دوم علیک لا لک همان‌که حرام است این‌جور بیان میکند مطلق آنچه نگاه به آن حرام است یا اینکه مقصود وجه و کفین است و روایت منصرف است و متواتر از آن وجه و کفین است که در روایت اجتماعی مورد ابتلا است همین‌که وارد گفتگو باکسی وارد می‌شود دست و صورت و امثال آن دیده می‌شود آن را می‌گوید این تفصیل است می‌گوید در نگاه اول می‌شود وجه و کفین را لحاظ کرد و در نگاه مستمر و ثانوی نمی‌شود لحاظ کرد که مقصود محرم نگاه به چیزی که از قبل حرام است نیست همین را تفصیل در وجه و کفین می‌دهد در بعضی روایات نگاه به وجه و کفین اجنبی جایز است در بعضی روایات جایز نیست و این روایت هم تفصیل می‌دهد و می‌گوید در نظره اولی جایز است و در نظره ثانی جایز نیست کما اینکه یکی از اقوال در وجه و کفین همین است که نظره اولی جایز است ولی درنظره ثانی جایز نیست در احتمال اول مفروض گرفتیم که نگاه به چیزی حرام شده هرچه باشد در اینجا تفاوتی بین اولی و ثانی می‌گذارد اما احتمال دوم این است که این خاص وجه و کفین است و در آن تفصیلی می‌آورد که یک عده روایات می‌گوید نگاه به وجه و کفین جایز است یک عده می‌گوید جایز نیست این هم طایفه سوم است می‌گوید اولی اشکالی ندارد ولی در ثانیه اشکال دارد که آنجا هم همین دلیل به‌عنوان طایفه ثالثه عرض شد این هم یک بحث است که مقصود مطلق نظرهای حرام است که قیدی میزند یا اینکه فقط در وجه و کفین تفصیلی می‌دهد یا اینکه مربوط به‌جایی است که جایز است و مقصود همان التذاذ یا عدم التذاذ است و نگاه بدون التذاذ جایز است ولی نگاه با التذاذ حرام است این بنابراین که بگوییم اولی و ثانیه مقصود التذاذ و عدم التذاذ یا ریبه و عدم ریبه است سازگار است.

سؤال: تفاوتش با دومی چیست؟

جواب : گفتیم آن فقط اختصاص به وجه و کفین دارد و به‌عبارت‌دیگر منظور علیه در اینجا به مطلق محرمات است آن‌هایی که حرام است در اینجا اولی معفو است و احتمال دوم این است آن نگاه‌هایی که مجاز است و احتمال سوم این است که این روایت خاص وجه و کفین است در باب وجه و کفین بحث میکند مفروض نیست که حرام است یا جایز از ابتدا می‌گوید در وجه و کفین این مقدار جایز است این مقدار حرام است. جابجایی دو و سه احتمالات را منظم‌تر میکند.

سؤال: ...

جواب: قرینه این است که حصر متعلق است و حصر متعلق هم دلیل عموم یا اطلاق نیست و آنکه در ادبیات گفته‌شده دلیل عموم است اشعار است و ظهور در عموم ندارد و باید در اینجا قدر متیقن را که همان وجه و کفین است گرفت و آن‌وقت جز طایفه سوم و مفصل در وجه و کفین می‌شود

سؤال: چرا برای احتمال اول و دوم نظر را به اعتبار کسره‌ای گرفته ولی در احتمال سوم ...؟

جواب: بله عرض کردم این را که آخر آوردم چون نظر تفاوتی میکند

سؤال: نمی‌شود در احتمال اول و دوم دو قسم کنایی و صراحی باشد؟

جواب: نه در این صورت جور درنمی‌آید امروز چهار پنج دلیل می‌آوریم که بگوییم روایت مجمل است.

سؤال: وجه اول ارشادی محض است؟

جواب: المحرم فی نفسه مولوی قوی است بناتر بعضی احتمالات چون می‌گوید همه آن‌هایی که حرام است اینجا اگر بگوییم نظره اولی نظره غیر اختیاری نیست اگر بگوییم نظره اختیاری را هم می‌گیرد تسهیلی ایجاد میکند و نگاه اول را بخشیدیم. تعیین تکلیف در هرکدام نمی‌کنم تصویر احتمالات وجوهش را عرض می‌کنم و جلو می‌روم چون این‌ها باهم دادوستد دارد نمی‌شود یکجا تمامش کرد.

این بحث دوم که احتمالات جدیدی در آن مطرح شد.

### سؤال سوم

این نظره اولی و ثانیه که در اینجا گفته‌شده ازلحاظ قصد و عدم قصد چطور است؟ نگاه اول یعنی نگاه بی‌اختیار یا نگاه اختیاری را هم می‌گیرد این بحث به‌طور خاص در متن کلمات فقها مطرح‌شده احتمالاتی که می‌شود آورد این است که مقصود ازنظر در این روایات در نظره اولی این چیست:

1. مقصود ازنظره اولی نظره غیر اختیاری است النظرة الاولی نگاهی است که قصد نگاه کردن به نامحرم نیست به فرض این‌که مقصود نگاه به نامحرم باشد نگاه به نامحرم میکند ولی بدون برنامه‌ریزی این نظره اولی می‌شود نظره غیر عمدیه و غیر مقصوده مطلقا و قصد بالذات و بالعرض در آن نیست و نظره ثانیه نظره ای است که با قصد است النظرة الاولی مجازٌ یعنی نگاه غیرعمدی است و النظرة الاولی که لک و مجاز است یک ارشاد است چون اگر نمی‌فرمود هم که نگاه غیر عمدی در آن عقابی نیست مقابل آن نظره ثانیه است که با عمد است.

سؤال: بالعرض اختیاری نیست؟

جواب: این احتمال اول این است که نظره اولی کاملاً غیر مقصود است چه بالذات چه بالعرض

1. احتمال دوم این است که نظره اولی شامل قصد بالعرض هم می‌شود و مقصود بالعرض یعنی جایی که نگاه موردتوجه و التفات است و قصد ضمنی دارد و می‌داند اگر امروز به بازار برود و مشغول کار شود نگاهش به نامحرم می‌افتد و برای آن نرفته نه به استقلال نه به ترکیب ولی می‌داند این اتفاق می‌افتد ولی این نگاه قصدی التفاتی است یا قصد بالعرض دارد و طبعاً مقصود هم ضمن این می‌آید و روایت به این صورت می‌شود که نگاه اول‌ شخص به نامحرم اگر مقصود بالعرض باشد در تعاملات می‌داند اتفاق می‌افتد ولی دنبال آن نیست ولی نه اتفاقی که اصلاً عمدی در آن نیست بلکه عمد ضمنی در آن هست و می‌داند این اتفاق می‌افتد و مثلاً به بازار می‌رود برای خرید درحالی‌که در معنای اول غیر اختیاری مطلق بود و اصلاً احتمال به این را هم نمی‌داد اما در دومی می‌داند که ممکن است اتفاق بیفتد و ترک نمی‌کند به این قصد بالعرض میگویند.

در احتمال اول قصد بالعرض داخل نمی‌شود؟

جواب: نه ولی در احتمال دوم قصد بالعرض داخل می‌شود در اولی به‌تبع غیر مقصود هم هست و این‌که لفظ بگیرد یا نه فرقی نمی‌کند و نظره اولی غیر عمدی است یا ضمنی مقصود بالعرض است و نظره ثانیه نگاه مقصود بالذات است و قصد نگاه کردن دارد نظره اولی ضمنی است و ثانی بالذات است.

هر یک از این سه چهار سؤال به هم ربط پیدا میکند

1. درنظره اولی مقصود بالذات هم هست و نظره اولی همان نگاه اول است حتی اگر بالذات هم باشد معاف است اگر شیطان شمارا فریب داد وبالذات هم می‌گوید یک نگاه هم که افکند معفو است که البته این خیلی بعید است النظره اولی یعنی نگاه اول و مقصود بالذات معفو است ولی ادامه آن معفو نیست که طبعاً غیر عمدی را هم می‌گیرد.

سؤال: نظره ثانیه چه می‌شود؟

جواب: نظره ثانیه نگاه دوم بالذات است و تمرکز روی اول و دوم است در هر دو می‌گوید با قصد نگاه میکند اما اولی به صورتی تسهیل شد اما دومی مواخذه می‌شود.

### سؤال چهارم

عین این سه احتمال متصور در فرضی است که بگوییم مقصود از عمد و اختیار فقط نظر نیست و عمد و اختیار در التذاذ است چون ممکن است نگاه با التذاذ را دنبال میکند و نگاه با التذاذ هم سه احتمال دارد.

1. التذاذی که نظره التذاذی اولی یعنی نگاهی که بدون اختیار نگاه را دنبال می‌کرد ولی التذاذ را دنبال نمی‌کرد قهرا حاصل شد
2. التذاذ مقصود بالعرض باشد
3. التذاذ بالذات مقصود باشد

همین سه احتمال به فرض این‌که مقصود ناظر به التذاذ باشد می‌شود آورد این هم بحث چهارم است.

سؤال: نامحرم ممکن است انقدر زشت باشد که التذاذی نباشد.

جواب: بله این را برای همین جدا کردیم ممکن است نگاه نامحرم باشد ولی در آن التذاذی نباشد مثل استاد دانشگاه می‌داند که نگاه حرام است اما در آن اصلاً التذاذی نیست نگاه میکند به غیر عمد مطلقا ولی قصد و عدم قصد معطوف به اصل نگاه است اما در سؤال چهارم اگر مقصود التذاذ باشد باز سه حالت دارد یکی التذاذ قهری یا التذاذ با قصد بالعرض یا التذاذ با قصد بالذات.

این فروض را که کنار هم بگذاریم وجوه زیادی در آن پیدا می‌شود.

1. . [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص193، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب104، ح8، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/193/الهلاك) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص193، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب104، ح11، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/193/النظرة) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص192، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب104، ح6، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/192/الشهوة) [↑](#footnote-ref-3)